

<p>شرح اشترک مرکز (۹) افغانی   محررین دائمی داخله (۱۰) * معلمین خارج (۴) کلدار   متعلمین واحدفروشی و اشترک شما هه ندارد</p>	<p>آئینه عرفان مجله علمی، ادبی، مصور، ماهانه دوره درم سال هشتم</p>	<p>عنوان وزارت معارف ریاست تعلیم و تربیه مقالات وارده اعاده نمیشود. اصلاح و درج حق اداره است</p>
---	--	--

نمره مسلسل ۱۱۱

-۱-

حوت ۱۳۱۷

ترجمه احمد علیخان کهزاد

پیوسته بگذشته

مبدأ نژاد آریا

-۳-

آریا-داسیوها

در قسمت های (۱) و (۲) - تحت عنوان «مبدأ نژاد آریا» باندازه کافی شرح داده شد که سرزمین تولدی آریا کجا بود و چه وقت عصر مهاجرت آنها شروع شد چطور شاخه شرقی باشاخه و دی از دامنه های جنوب هندو کوه و سمت مشرقی افغانستان حالیه روداندوس «سند» را عبور نموده داخل پنجاب شدند.

حالا میخواهیم باین بهیروزازیم که آیا حین ورود بخاک «هیپته هندو» سرزمین هفت دریایا پنجاب فعلی «آریاها» به که مقابل شدند؟ سا کمین بومی هند چگونه با آنها تصادف کردند. چه اختلافی در میان این دو توده نژاد بشری بود؟ احساسات آریائی ها نسبت بسا کمین بومی هند چه بود چه اختلافی در آئین و پرستش داشتند بومیان هند تا کی مقاومت کردند و بالاخره چطور مغلوب شدند و عناصر آریائی در پنجاب چطور غلبه یافت؟ تنها مبلغی که قادر به جواب این سوال ها و امثال آنست مجموع سرود های مذهبی آریائی است. نا گفته نماند که درین سرودها بصورت مستقیم

و واضح ابدأ چیزی راجع به جواب سوالات فوق یافت نمیشود لیکن رو بهمر فته در میان ایات متفرق سرودهای مذکور اگر قدری پالش شود بدقت یکی به دیگری مقایسه گردد کم و قطر و قطر به صورت پراکنده اینجا و آنجا جسته جسته معلومانی بدست می آید که اگر سلسله وار تمام آن پشت هم گذاشته شود نه تنها جواب سوالات فوق بلکه معلومات بیشتری بدست می آید. چنانچه مدققین اروپائی عین همین کار را کرده تمام معلومات خود را در موضوع آریائی ها عمین طور انبساط داده اند.

قبایلیکه سرود های مذهبی ( ودا ) بایشان متعلق است در تمام ایات سرودها در تمام مواقع و موارد خود را بنام « آریا » و اهالی بومی هند « دشمنان آنوقت خود را به اسم « داسیو » (Dasu) یاد نموده اند. مسبقیم که « آریا » امروز نژادی است که عناصر آن از هند تا سواحل غربی اروپا کشتار او قبایوس اطلس افتاده است پیش از عصر سرودها که آنرا معمولاً « عصر ودی » گویند یعنی از زمانیکه آریائی ها هنوز از باختر بنای مهاجرت را نگذاشته بودند امکان دارد که کلمه ( آریا ) در آنوقت هم به نوده قبایل و نژادی که در آنجا بودند و باش داشت اطلاق میشد. بجز جهت مطلب این است که معنی کلمه « آریا » در « عصر ودی » در جنوب هند و کوه جامع تر و مفهوم آن وسیع تر گردید « مندسن » « یر سنش کنند » « شریف » « نجیب » و غیره در معنی آن داخل گردید و در موقعیکه این آریائی های متدین شریف و نجیب از دامنه های زیبا و قشنگ جنوب هند و کوه رازوادی های خوش آب و هوا حاصل خیز « کوبها » یعنی رود کابل و معاو نین آن پنجشیر گومانی (رود گومل) سراسواتی (رود سوات) یعنی صفحات شرق و جنوب شرق افغانستان به حوضه اندوس (رود سند) رسیده و از آنجا بطرف شرق بنای آنها جم را گذاشتند بومی های هندی آنوقت را بنام « داسیو » و به صفات بربر - خارجی - شربر - مخالف - بی دین کسانیکه قربانی نمیکند و امثال آن یاد نموده و به آنها



ضدیت، مخالفت و دشمنی زیاد داشتند چنانچه از خلال مضامین سرودهای ایشان احساسات تنفر و مخالفت آمیز آنها بخوبی معلوم میشود.

بعد از یک سلسله مقابله و جنگ‌ها آریائی‌ها «داسیوها» رایس یا ساخته کنار رود «سراواستی» متوقف شدند و در اثر ورود قبایل تازه نفس دیگر که پشت‌هم بتدریج از غرب اندوس از حصص شرقی افغانستان آمده میرفت تعداد آنها زیاد شده، ملت جامعه تشکیل دادند و بار اول دارای قوای شاهی و حکومت گردیدند. در بن زمانها آهسته آهسته اسم «آریا» یا بهتر تر بگویم در معنی و مفهوم آن تغییراتی بمیان آمد. اگر چه بمعنی عمومی کلمه «آریا» کمافی السابق در تمام سرودها استعمال شده معذالك بعضی اوقات به معنی دیگری هم استعمال می‌شد و آن این بود که مرادف کلمه «برهما» «برهن» گردید و به این مفهوم و معنی در جامعه آریائی کنار «سراواستی» شکل محدود تری بخود گرفت و آهسته آهسته تنها بربک طبقه معین افراد مخصوص گردید. توضیح اینک «آریائی» که در اوائل معنی عمومی نژادی داشت مخصوص طبقه عالی نجبا گردید و خارج از آن بر طبقه عام مردم که آنرا «سودارا Coudra» بمعنی «غلام» می‌گفتند ابد اطلاق نمیشد. در عصر «پانی نی» Panini عالم بزرگ صرف و نحو سانسکریت که اصلاً از قریه . . . . نزدیک اتک حالیه یعنی از جمله توده آریائی قدیم افغانستان است و در حوالی قرن ۴ ق م بار اول صرف و نحو زبان سانسکریت را نوشته و اثرش تا حال در نوع خود بی نظیر است کلمه آریا در ضمن سائر معانی «بادار» مالک - صاحب اختیار دار - غنی - با افتخار هم معنی میشود یعنی رویهم رفته جنبه «نجابت و باداری» در تمام معانی آن دیده میشود اگر چه کلمه «آریا» در عصر بودائی کمی جنبه مذهبی گرفته و بیشتر در مورد کسانی اطلاق میشد که داخل دیانت جدید شده بود ولی باز هم معنی نجابت و شرافت از آن زائل نشده بود.

خلاصه کلمه «آریا» از روزیکه بخاک هند رسید به مقتضای زمان و محل مذاهب هر چه تحولاتی در معنی آن وارد شد اصل مفهوم اساسی خود را که «نجابت» بود از دست نداده در هر موقع و هر مورد برای بهترین اشخاص جامعه هندی استعمال میشد. حالا که این کلمه و مورد استعمال آن تا یک اندازه شرح یافت می‌رویم به بینیم که در مقابل آن کلمه «داسیو» چه معنی داشت و آریائی‌ها آنرا در مورد کی استعمال می‌کردند.

### داسیوها :-

بیشتر مختصراً اشاره شد که قبایل آریائی حین ورود خود به پنجاب بومیان اصلی هند را که معمولاً «دراوید مین» خوانند بنام «داسیو» یاد می‌کردند. این اسم در سرودهای «ویدی» بسیار استعمال شده و تقریباً در هر بند اشعار رزمی دیده میشود. لیکن هر جا ذکر آن با احساسات عمیق ضدیت و مخالفت توأم است. عموماً آریائی‌ها این کلمه را با تنفرو و تحقیر استعمال کرده اند و در بعضی موارد خوف ایشان هم از این کلمه معلوم میشود و حالی میکنند که بومیان هند در مقابل آریائی قوه مدحشی داشتند. برای اینکه خواننده بهتر تر از موارد استعمال کلمه «داسیو» در متن افراد سرودها خبر شود و آهنگ و معنی اشعار رزمی آریائی را در پنجاب بداند و به بیند که آریائی‌ها در هنگام مجازبه چه استعانت‌هایی از ارباب انواع خود میخواست ترجمه بعضی اشعار را ذیلاً ذکر میکنم :-

«دراثر نیاز و استدعای ما ایندرا Indra» (۱) به «داسیوهای» مخوف حمله کرده ایشانرا بیک ضرب کشته فنا ساخت «او ایندرا» تو این «داسیوهای» پست و ناچیز را شکست دادی، تو این قوم بی‌دین را محکوم ساختی.

«ایندرا» و «سوما Soma» دشمنان خود را خراب کنید، معدوم سازید، تا بضر بیغشها افتاده اجساد خود را تقدیم کنند، یا ایندرا و «سوما» اگر شما به استرا د



گاوها، واسپها، و خزاین و اراضی که دشمنان ما از ما گرفته اند توجه کنید چه کار عادلانه قابل ستایشی کرده خواهید بود.» تاجا ئیکه از خلال اشعار سرود های «ویدی» معلوم میشود آریائی های مهاجر و متهاجم با «داسیو های» بومیان هند در زبان عرق و نژاد و ترکیب اعضا و افکار و معتقدات و مذهب در همه چیز اختلاف داشتند و این اختلافات هر کدام از هر نقطه نظر با تمثال های برجسته خود اشعار سرودها ثابت میشود. اختلاف نژادی از این معلوم میشود که آریائی ها دشمنان خود «داسیوها» را «قوم سیاه» می نامیدند.

تمیز رنگ پوست یک قوم یکی از مسائل عمومی است که مردمان قرن بیست و یکم خوب تر مفهوم آنرا فهمیده میباشند زیرا رنگ پوست بدن در تمیز اقوام رول مهمی بازی میکند. آیا آنها از نقطه نظر رنگ پوست ساکنین جهان را به نژاد های سفید و سیاه و زرد - سرخ - تقسیم نمیکنند؟ همین طور آریائی ها چون مردمان سفید پوست بودند حین تماس با بومیان هند بهترین وسیله تمیز بین خود و آنها رنگ پوست را یافتند و ایشان را «قوم سیاه» خواندند و در یکی از افراد خود چنین میگویند: «اندرا» آریائی هائی را که قره بسائی کرده اند مجسما فظه کرد «اندرا» در هر جنسکی هزارها تکمک به آریائی ها نمود. بلی درین جنسک ها که اسباب افتخار بود به مفاد «مانو Manou» (۱) بی دینان را مطیع ساخته و دشمنانی را که پوست سیاه دارند قتل نمود. در سرود دیگر در مقابل قوم سیاه پوست آریائی ها خویش ملت سفید پوست خوانده اند. این سرود و سرود بالا خوب کلمه سیاه و سفید و موارد استعمال آنها را ثابت میکند «اندرا» را که بسیاری به استعانت میخواند «ماروت های Marouts» (۲) سریع السیر

(۱) «مانو» را در اشعار سرودها معمولا آریائی ها تصور میکنند

(۲) رب النوع باد



و پیروی میکنند. ایشان به احفاد «مانو» (۱) دشمنی دارند. باشد که پرو تا (۲) ایشان را از آسمان تعقیب کند و بیک ضرب هلاک و نابود نماید. «

ترجمه از اخبار الوس ..... مقاله وارده

### کادروی معارف ترکیه

ارقام ذیل انکشاف بزرگ حیات معارف ما را ارائه مینماید.

رقم هائیکه در مابین سنه ۱۹۳۱ و ۱۹۳۸ میباشد و وضعیت تعداد طلاب و معلمین مکاتب، تدریسات متوسطه، نشان میدهد و هر کسی که آنرا میخواند بی شبهه مسرت عمیق حس مینماید.

در سال اعلان جمهوریت در صنفهای مکاتب متوسط «۵۹۰۵» مداوم مشغول تحصیل بود و کمی تعداد طالبات نظیر ذقت را جلب مینمود و نژاد آن قرار ذیل است :-

تعداد طلاب	در سنه در سیه
۵۹۰۵	۱۹۲۴ و ۱۹۲۳
۱۵۱۳۳	۱۹۲۸ و ۱۹۲۷
۲۰۶۸۰	۱۹۳۰ و ۱۹۲۹
۲۴۸۳۵	۱۹۳۲ و ۱۹۳۱
۳۰۸۵۶	۱۹۳۳ و ۱۹۳۲
۳۷۶۲۶	۱۹۳۴ و ۱۹۳۳
۴۰۵۹۸	۱۹۳۵ و ۱۹۳۴
۴۶۶۷۸	۱۹۳۶ و ۱۹۳۵
۵۷۱۳۴	۱۹۳۷ و ۱۹۳۶
۷۱۰۲۱	۱۹۳۸ و ۱۹۳۷



رقم های ذیل نشان میدهد که از سنه درسیه ۱۹۳۱ اعتباراً تعداد طلاب هر سال مقدار شش هزار تزيد می نمود و دفعه در سنه درسیه «۱۹۳۵» تراید آن به یازده هزار و در سنه درسیه ۱۹۳۷ به چهارده هزار رسیده است .  
تعداد مکاتب متوسط معارف جمهوریت بمقابل این تراید بزرگ حسب ذیل میباشد :-

تعداد مکاتب	در سنه درسیه
۸۳	۱۹۳۲ و ۱۹۳۳
۹۹	۱۹۳۳ و ۱۹۳۴
۹۸	۱۹۳۴ و ۱۹۳۵
۱۰۰	۱۹۳۵ و ۱۹۳۶
۱۰۹	۱۹۳۶ و ۱۹۳۷
۱۲۴	۱۹۳۷ و ۱۹۳۸

درین مکاتبها تعداد درسخانهها نیز که با تعداد این طلاب حسب جدول درج شده به يك شكل متناسب تراید نموده است.

### رتال جامع علوم انسانی

تعداد درسخانه	در سنه درسیه
۶۵۱	۱۹۳۱ و ۱۹۳۲
۷۱۸	۱۹۳۲ و ۱۹۳۳
۸۰۵	۱۹۳۳ و ۱۹۳۴
۸۸۹	۱۹۳۴ و ۱۹۳۵
۱۰۰۹	۱۹۳۵ و ۱۹۳۶
۱۱۶۲	۱۹۳۶ و ۱۹۳۷
۱۳۹۴	۱۹۳۷ و ۱۹۳۸



اگر در ساحت تدریسات متوسط از نقطه نظر حیات انقلاب ترك تنها سبب دختر و پسر نیز تحلیل شود تعداد دختران ترك در ساحت تدریسات متوسطه ترفیع شایان دقت را ارائه مینماید.

تعداد پسر	تعداد دختر	در سنه درسیه
۲۲۰۸۸	۷۹۶۸	۱۹۳۳ و ۱۹۳۲
۲۷۷۰۷	۹۳۱۹	۱۹۳۴ و ۱۹۳۳
۳۵۰۷۶	۱۱۷۰۶	۱۹۳۶ و ۱۹۳۵
۴۲۴۶۶	۱۴۶۶۸	۱۹۳۷ و ۱۹۳۶
۵۲۵۷۱	۱۸۴۵۰	۱۹۳۸ و ۱۹۳۷

تعداد دختران نسبت به بچه‌ها نیکه در مکاتب متوسطه میخوانند در سنه درسیه اخیر، دفعه اول است که از يك ثلث متجاوز شده.

بعد از توقف پسر تعداد طلاب و در سخاوه های لیسه‌ها حالا بر مسئله معلمین که در ساحت تدریسات متوسطه با عدم تعداد کافی شان از روی مشکلات متصادف میشوند از نظر می گذرانیم.

موجودی طلاب لیسه‌های مادر زمان اعلان جمهوریّت «۱۲۴۱» نفر بود و امروز این عدد به «۱۸۲۷۷» رسیده است که افزونی مقدار طلاب لیسه‌ها نظر بمقدار طلاب سنه ۱۹۲۷ از ده مثل تجاوز نموده است.

تعداد طلاب	در سنه درسیه
۱۲۴۱	۱۹۲۴ و ۱۹۲۳
۱۸۱۹	۱۹۲۸ و ۱۹۲۷
۲۸۵۵	۱۹۳۰ و ۱۹۲۹
۴۱۵۲	۱۹۳۲ و ۱۹۳۱

تعداد طلاب	درسنه درسیه
۵۳۵۵	۱۹۳۲ و ۱۹۳۳
۶۷۶۵	۱۹۳۳ و ۱۹۳۴
۶۳۸۴	۱۹۳۴ و ۱۹۳۵
۶۸۸۲	۱۹۳۵ و ۱۹۳۶
۱۴۰۳۸	۱۹۳۶ و ۱۹۳۷
۱۸۲۷۷	۱۹۳۷ و ۱۹۳۸

تعداد طلاب لیسه ها نسبت به ده سال قبل (یک برده) زیاد شده ولی بهمین نسبت زیادتی عدد لیسه ها را انتظار کردن صحیح نیست. کادروی معلمین یک مکتب از نظر بناء، درسخانه و لوازم درسیه به آسانی نمیتواند سر بگیرد. حکومت جمهوری به بر لیسه سنه ۱۹۳۲ تمهاتش باب دیگر علاوه کرده توانسته است. ولی در لیسه ها تعداد درسخانه به نسبت تعداد طلاب زیاد شده است.

تعداد درسخانه	درسنه درسیه
۱۲۶	۱۹۳۱ و ۱۹۳۲
۱۶۵	۱۹۳۲ و ۱۹۳۳
۱۷۲	۱۹۳۳ و ۱۹۳۴
۲۰۸	۱۹۳۴ و ۱۹۳۵
۲۰۴۲	۱۹۳۵ و ۱۹۳۶
۲۹۱	۱۹۳۶ و ۱۹۳۷
۳۵۵	۱۹۳۷ و ۱۹۳۸

در لیسه های ما تعداد دخترها و پسرها بهمین نسبت ذیل بلند شده است.

تعداد پسر	تعداد دختر	در سنه درسیه
۴۱۹۹	۱۱۵۰	۱۹۳۳ و ۱۹۳۲
۵۱۰۹۳	۱۰۱۴	۱۹۳۳ و ۱۹۳۳
۶۰۴۶	۱۰۰۸	۱۹۳۵ و ۱۹۳۴
۸۷۱۵	۲۱۶۷	۱۹۳۶ و ۱۹۳۵
۱۱۱۰۸	۲۹۳۰	۱۹۳۷ و ۱۹۳۶
۱۴۳۰۵	۲۹۷۲	۱۹۳۸ و ۱۹۳۷

در میان کادر وی مکاتب متوسطه مکتب های معلم نیز داخل می باشد .

تعداد طلبه و طالبات	تعداد مکتب	تعداد درسخوانه	در سنه درسیه
۲۰۵۹	۴۴	۱۹	۱۹۳۳ و ۱۹۳۲
۲۷۲۶	۶۱	۱۵	۱۹۳۴ و ۱۹۳۳
۲۵۷۷	۵۷	۱۳	۱۹۳۵ و ۱۹۳۴
۲۸۰۵	۵۶	۱۲	۱۹۳۶ و ۱۹۳۵
۲۶۱۹	۵۶	۱۲	۱۹۳۷ و ۱۹۳۶
۲۴۰۴	۵۲	۱۴	۱۹۳۸ و ۱۹۳۷

در مکاتب معلمین نسبت طلاب و طالبات بدرجه نصف میباشد . در ظرف سنه  
حالیه تعداد طالبات زیاده تر شده است .

تعداد پسر	تعداد دختر	در سنه درسیه
۱۰۵۲	۱۰۰۶	۱۹۳۳ و ۱۹۳۲
۱۳۷۶	۱۳۵۰	۱۹۳۴ و ۱۹۳۳
۱۳۰۹	۱۲۶۸	۱۹۳۵ و ۱۹۳۴
۱۴۰۳	۱۴۰۲	۱۹۳۶ و ۱۹۳۵



تعداد دبیر	تعداد دختر	درسنهٔ درسیه
۱۳۰۰۰	۱۳۹۹	۱۹۳۶ و ۱۹۳۷
۱۰۷۳	۱۳۱۱	۱۹۳۷ و ۱۹۳۸

مکتب‌های معلمی لیلی و مجانی می باشد. هر سال طلاب و طالبات بچنین مکتب با مسابقه قبول میشوند. کادروی آنها محدود و معین می باشد. لذا اگر سالها نیز بگذرد تعداد طالبات و طلاب این مؤسسه مانند طلاب مکتب متوسط زیاد نمی شود.

اساس و بنیاد مکتب متوسطه نیز معلم می باشد. درسنهٔ درسیهٔ ۱۹۳۲ در تمام حلقه های تدریسات متوسطه «۳۸۲۷۰» طلاب و طالبات و «۱۸۶۳» معلم موجود بود. در سنهٔ درسیهٔ ۱۹۳۶ در حین آنکه این مکتب ها باز شد تعداد درسخانهٔ طلاب و طالبات مکتب متوسطه نسبت بچهار سال پیش همان دو مثل بود ولی تعداد معلمین این نسبت را اضافه است. همان «۲۲۱۱» بوده است. بسبب تدابیر مختلفی که وزارت معارف دربارهٔ ساعت های درس آنها اتخاذ نموده این درسخانه ها بی معلم نمانده است؟

در ظرف سنهٔ درسیهٔ حاضره با معلم های معاون و معلمان جوان مکتب ابتدائیه که با مسابقه به استیووی تریهٔ غازی قبول میگردند و درجهٔ تحصیل آن را ا تکمال مینمایند کادروی معلمین مکتب متوسطه ا تکال و با «۲۵۸۵» معلم تدریسات ۹۱۷۰۲ طالبات و طلاب موجودهٔ مکتب متوسطه تأمین گردیده است. وزارت معارف کوشش مینماید که در سنین آتی به معلمین زیاد تر احضار نماید.

در ظرف شش سال اخیر تعداد معلمین و متعلمین تدریسات متوسطه [ یعنی در بین مکتب متوسطه و معلمین وابسته ها ] بوجه ذیل می باشد.

تعداد معلمان	تعداد طلاب و طالبات	درسنه درسیه
۱۸۶۳	۳۸۲۷۰	۱۹۳۲ و ۱۹۳۳
۱۹۲۴	۴۶۵۱۷	۱۹۳۳ و ۱۹۳۴
۲۰۵۶	۵۰۵۵۹	۱۹۳۴ و ۱۹۳۵
۲۱۱۶	۶۰۴۶۵	۱۹۳۵ و ۱۹۳۶
۲۲۱۱	۷۳۸۷۱	۱۹۳۶ و ۱۹۳۷
۲۵۸۵	۹۱۱۰۲	۱۹۳۷ و ۱۹۳۸

اساسیکه در پروگرام یازنی ما برای مکاتب متوسط قبول گردید در خاطر داریم که در هر کز هر ولایت برای اینکه تحصیل متوسط در تمام مملکت منتشر گردد در هر کز بعضی قصبه های مناسب نیز مکتب متوسط (اعدادی) تأسیس شده و درین مکتب ها با کمال اعتناء معلومات مسلکی که به این محیط ها لازم میباشد بطلاب می آموزانند.

مکاتب متوسطه موسسه نیست که برای اكمال کادروی <sup>شهرگاه علوم از انچه طالبات فرستند</sup> مأمورین خورد طلا بیکه از مکاتب ابتدائی مأذون شده و معلوم <sup>مکاتب علم</sup> مانی علوم آنهاست تحصیل نموده اند آنرا با تحصیل متوسط کمی پیش برده بحیات سوق نماید.

اولاد های ترک که تحصیل ابتدائی را اكمال نموده بمکاتب عالییه شامل شدن را نصب العین قرار داده اند درجه استعدادشان هر چه باشد دولی دولت برای اینکه اوشان در آئی عضو نافع بوطن شوند در تعلیم و تربیه اینها اهمیت بسیار صرف می نماید.

این استقامت نو برای ترکیه بک تدبیر اخلاص کار بست که در زمان خود اتخاذ گردیده است. زراعت ترکیه بعلم استناد نموده و صنایع آن هم با گام های دیو آسا روز بروز پیش می رود اقدامات بزرگی که در هر شعبه حیاتی کرده و با لازم می آید در هر مسلک با معلومات و نشیث بلند با انجام خواهد رسانید و در استقبال کادروی

يك تركيه جوان را بوجود خواهد آورد .

محصول مساعی معارف مانه تنها در ترايدو جریان رقم بلکه با سرعت استقامت های احتیاج و انکشاف را لازم دارد نیز اندازه کرده می شود . در وقتیکه محبت وضعیت تدریسات متوسطان را بختام می رسانیم نواقص معارف ترك که از زمان و مکان گذشته مطابق انکشاف حمله های کمالیزم با مساعی متناسب معلم های رو ستائی و مکتب های مسلک و اختصاص و آ نسبتیوها و یونیورسیتی ها بصورت عمومی پیش نظر آورده بنوشتن آنها شروع و مسرتی را که در آغاز نوشتن حس میکردیم تجدید بدینمائیم .

تعداد مکاتب ابتدائی (۶۷۱۴)

تعداد معلمان	تعداد طلاب	در سنه در سیه
۱۴۵۳۲	۷۵۰۶۷۳	۱۹۳۷ و ۱۹۳۸

تعداد مکاتب عالی که مر بوط بتدریسات عالی میباشد (۷)

تعداد معلمان	تعداد طلاب	در سنه در سیه
۶۵۱	۶۸۶۲	۱۹۳۷ و ۱۹۳۸

پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال مجله دوم انسانی